

مفهوم مشارکت سیاسی

مقدمه

دکتر داود فیرحی

انقلاب اسلامی و الزام تاریخی آن، آغازگر دورانی در اندیشه سیاسی شیعه است که نویسندگان و متفکران مذهبی در این دوره منحصرأبه دولت پرداختند. آثاری که در این دوره نوشته شدند، صرفاً قلمرویی را مورد تأکید قرار می‌دادند که می‌توان آن را در مباحث مفهومی و کلان حکومت خلاصه نمود.^(۱) هدف عمده آثار سیاسی-مذهبی این دوره گسترش آگاهی و ایضاح مفهوم دولت اسلامی از یک سو و استدلال فقهی و بعضاً کلامی در باب مشروعیت دولت انقلابی و جدیدالتأسیس «جمهوری اسلامی» از طرف دیگر بود.

اما اکنون که دولت اسلامی تثبیت شده بسیاری از مراحل تحول و توسعه را «تجربه» نموده است، بحث از مباحث مفهومی و کلان حکومت اسلامی، اهمیت پیشین خود را از دست داده است و مفهوم دولت اسلامی دیگر یک «مفهوم نظری عمده و حساس» نمی‌باشد. می‌توان مهمترین دلایل گذار از سطح دولت به مباحث جدیدتر، و به عبارت دیگر گسترش تأملات سیاسی-مذهبی به عرصه‌های نسبتاً خرد زندگی سیاسی را در دو نکته‌ی زیر دسته بندی و توضیح داد:

الف) دستاوردهای نظری در باب حکومت اسلامی؛

ب) تجربه تاریخی جامعه اسلامی ایران در سالهای اخیر؛

در این نوشته جای آن نیست که در باره‌ی نکات فوق به تفصیل بحث شود، و صرفاً اشاره‌ای اجمالی جهت تمهید و تسهیل ورود به فضای فکری - سیاسی جدید، مورد نظر است. به خصوص مسأله مشارکت سیاسی که از مهمترین مؤلفه‌های فکری مذهبی امروز است و در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دستاوردهای نظری

روشنفکری مذهبی امروز، جز بر پایه دستاوردهای تئوریک سالهای انقلاب و بدون تکیه اصولی، بر نتایج تحقیقات آرای گذشته، هرگز نمی‌توانست و نمی‌تواند گام در ساحت و مسائل جدید گذاشته و بگذارد. لذا، با نظر به ادبیات موجود و تحلیل محتوا و ساختار گفتاری آنها، شاید بتوان ماهیت پرسشها و تاملات جدید را بهتر توضیح داد و درست به همین دلیل است که در آغاز بحث از مشارکت سیاسی، طرح اجمالی دیدگاهها و بررسیهای گذشته ضروری به نظر می‌رسد. چنانکه اشاره کردیم، دستاوردهای نظری سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی، و ماهیت این آثار یکی از مهمترین دلایل و انگیزه‌های گذار اندیشمندان مسلمان جامعه ما به مباحث جدیدتر می‌باشد. بانگاهی اجمالی به آثار مورد اشاره، این نکته به وضوح مشخص می‌شود که آثار و نوشته‌های فوق، به طور عموم صبغه مفهومی و حداکثر جهت‌گیری کلان درباره دولت اسلامی دارند.^(۲) هدف این نوشته‌ها، آن چنان که شرایط تاریخی زایش و ظهورشان اقتضا می‌کرد با توسعه علم تصویری از «حکومت اسلامی» بود، (دولتی که الگوی عینی و زنده در برابر چشمان نسل جدید و انقلابی نداشت و صرفاً باید توصیف و تفهیم و تصور می‌شد.^(۳)) و یا استدلالهای فقهی و بعضاً کلامی، در باب مشروعیت عام چنین دولت جدیدالتأسیسی بود.^(۴) طبیعی است که هر دو نوع از ویژگیهای مباحث فوق، که ماهیتی توصیفی - تدافعی داشتند، منطقی تا حد معینی قابل بسط بودند. تحقیقات ملتزم به دو رهیافت فوق طولی نمی‌کشید که در دایره تکرار و تحشیه قرار می‌گرفت و چنین هم شد.^(۵)

به نظر می‌رسید که بحثهای فوق درباره دولت و حاکم اسلامی از چند جهت به نتایج نهایی خود رسیده بود، ابهامهای مفهومی و نظری مرتفع شده موضعگیریهای تئوریک و لازم صورت گرفته بود. در سطور ذیل خلاصه این مواضع را که آگاهی از آنها در بررسی موضوع مشارکت

اهمیت دارند، ذکر خواهیم کرد. اما یک مطلب دیگر نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ و آن این است که نوشته‌های فوق، همگی نمای بیرونی دولت اسلامی را مورد توجه قرار داده‌اند، بدون آن که از برشها و نمای درونی این دولت، اطلاعات ذی‌قیمتی به خواننده ارائه دهند.^(۶) این نکته موجب شده است که تئوریها و دیدگاههای فوق علیرغم قدرت دفاعی در برابر مهاجمان بیرونی، عموماً در مواجهه با مسائل و معضلات داخلی نظام اسلامی در حالت تأخیر قرار گرفته یا از طرح پاسخهای مناسب عقیم بمانند.

از دیدگاهی که ما در این مقاله دنبال می‌کنیم، متفکرین دوران جمهوری اسلامی را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم نمود: اندیشمندانی که با تمسک به اختیارات گسترده حاکم و ماهیت این اختیارات، ضرورت اطاعت همه جانبه مردم را توصیه می‌کنند؛^(۷) و اندیشه رقیبی که حدود و اختیارات دولت اسلامی را در چارچوب محدودیتها و مقررات ویژه‌ای توضیح و تحدید می‌نمایند.^(۸)

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که علما و اندیشمندانی که دین را ناظر بر حوزه سیاست می‌دانند، در قلمرو امر سیاسی، دو دیدگاه کاملاً متفاوت را مطرح کرده‌اند که منظومه‌های گفتاری غیر قابل تحویل به یکدیگر بوده در صورت بسط منطقی، دو رهیافت متمایز «Paradigmatic» خواهند بود:

۱) دیدگاهی که با تکیه بر براهین کلامی، ضرورت تأسیس دولت و وجوب نصب حاکم از جانب خداوند متعال بر وجوب اطاعت «امت» از تصمیمات و احکام ولایی فقیه حاکم تأکید نموده با استدلالی تمام‌گرایانه نسبت به اندراج سیاست در دین، امر سیاسی را تقدس و خصیلتی تمام‌اشرعی می‌دهد.^(۹) معتقدین به چنین دیدگاهی استدلال می‌کنند که قطع نظر از التزام به نتایج بحث از توانمندی یا عدم توانایی خرد انسانی در فهم مصالح سیاسی، و در هر دو صورت، بر خداوند حکیم واجب است که با نصب حاکم معین، و تأسیس نظام سیاسی ویژه، مقدمات انتظام سیاست امت را تحدید نماید.^(۱۰) آنان، مجموعه دیدگاههای خود را در قالب برهان لطف و سپس مباحث امامت عامه و خاصه توضیح می‌دهند عقیده دارند که به لحاظ اشتراک شرایط و نیازهای دوران حضور و غیبت، تعیین حاکمان در دوره غیبت نیز بر خداوند لازم بوده فعلیت این امر را باید از زبان ائمه معصومین^(ع) جستجو و فهم نمود.^(۱۱) با مقدمات

کلامی فوق، طرفداران این نظریه، به ضرورت در فضای استدلالها و براهین فقهی قرار می‌گیرند و در اثبات مدعای خود و غلبه بر خصم، مجموعه منسجمی از ادله فقهی عرضه می‌نمایند. در چنین شرایطی بستر مناسبی برای گسترش مباحث فقهی - سیاسی و نقض و ابرامهای اجتماعی فراهم گردید و آثار متعددی زاده و پراکنده شد.

۲) در مقابل اندیشه فوق که پشتوانه کلامی - فقهی ممتدی دارد، اندیشه رقیبی نیز وجود دارد که با تکیه بر نوعی تساهل در باب عمل و امر سیاسی، بر عنصری بنام «جامعه مدنی» در نسبت بین فرد و دولت توجه و تأکید می‌نماید.^(۱۲) این اندیشه که به لحاظ تیپ ایده آل خود تکثرگرایانه تر از اندیشه سابق الذکر است ناگزیر در دو عرصه کلام و فقه با افکار دسته نخست در چالش است. به نظر می‌رسد که به لحاظ شفافیت و ساختار ویژه مباحث فقهی، چالشهای فقهی معتقدین به این دیدگاه زودتر شروع شد و حالت تقدم از نظر تاریخ اندیشه - نسبت به بحثهای کلامی - پیدا کرد. از نظر فقهی اندیشمندان متمایل به این فکر، از میراث تاریخی گذشته استفاده کردند که از زمان صفویه و به ویژه دوره قاجار تا کنون در نقد ادله و استدلال قائلین به ولایت عام و مطلق فقیه عرضه شده به تدریج و واضحتر و شفافتر شده بود.^(۱۳) در این سطح از جدال فقهی، مباحث کلام سنتی همچنان برای هر دو گروه موافق و مخالف مسلم و مفروض، و غیر قابل نقد تلقی شده بود، اختلاف نظرهایی که سرانجام به آرای اجتهادی متعدد ختم گردید و بنا به خصلت خود هر کدام طرفداران و مخالفانی در عرصه عامه و سیاستمداران جامعه اسلامی پیدا کرد و گروهها و جناحهایی را برانگیخت.^(۱۴)

اما نظریه دوم، در عرصه کلامی وضعیت خاصی داشت؛ به عبارت دیگر این دیدگاه هر چند در مجادلات فقهی می‌توانست از میراث فقهی گذشته الهام گرفته بر بنیاد روش شناختی قدما تکیه نماید، در عرصه کلامی چنین میراث فراخی را سراغ نداشت. بنابراین، ناگزیر به جستجوی ره‌توشه‌هایی خارج از میراث سنتی - فکری خود در مواجهه با پتانسیل قوی کلام سنتی بود. طرفداران نظریه دوم سرانجام گم‌شده خود را در دستاوردهای الهیات جدید مسیحی پیدا کردند و با طرح ضرورت مباحث موسوم به «کلام جدید» راه به روشهای تفسیری و هرمنوتیک جدید یافتند و از آن زاویه، نتایج سیاسی مبتنی بر کلام سنتی شیعی را به چالش فراخواندند.^(۱۵) در تمایز با دو دیدگاه عمده و رقیب فوق، اندیشمندانی وجود دارند که قائل به نوعی رهیافت

ترکیبی یا تلفیقی هستند. این دیدگاهها در جستجوی رهیافتهای استعلاجی به منظور تلطیف دو نظریه رقیب، حذف یا تقلیل تعارض آنها، و سرانجام کارآمد نمودن نظریه های حکومتی کنونی هستند.^(۱۶) درست به همین دلیل است که در این تحقیق آنان را با عنوان عام «پل سازان» مورد اشاره قرار داده دیدگاهشان را تحت عنوان «رهیافت سوم» مورد بررسی قرار می دهیم.

دیدگاه سوم، که از لحاظ تعداد آثار نیز محدود است، کوشش می کند با تغییرات اندکی که در مفاهیم و حدود آنها در نظریه اول ایجاد می کند،^(۱۷) به گونه ای دو نظریه رقیب را آشتی دهد و عناصر کلیدی آن دو را جمع نماید. از لحاظ مبانی کلامی و فقهی، دیدگاه سوم قرابت های بیشتری با نظریه نخست دارد ولی بنا به ملاحظات آن که در جای خود توضیح خواهیم داد، گوشه چشمی نیز به دیدگاه دوم و نتایج سیاسی منبعث از آن دارد.^(۱۸) در عمل این نویسندگان به گونه ای دچار دوگانگی و در بسیاری موارد در چنبر محافظه کاری تئوریک و طبعاً عملی گرفتار می شوند.

به هر حال، با مرزبندیهای سه گانه ای که در بحث از قلمرو دولت، به ویژه شرایط و اختیارات حاکم صورت گرفته است به نظر می رسد که رسالت مباحث مفهومی و کلامی گذشته به انجام رسیده ابهامات گذشته، حداقل در محدوده علم تصویری نسبت به موضوع، مرتفع شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که اذهان تنوع طلب و تکرار گریز محققین، به حوزه ها و مسائل جدیدتری معطوف شده مباحث سیاسی - مذهبی در جستجوی سرزمینهای نامکشوف فراسوی دایره تنگ شرایط و اختیارات حاکم بر آید.

- تجربه تاریخی سالهای اخیر

جدای از دل مشغولیهای نظری، جامعه اسلامی ایران، در مواجهه با تجربه های جدیدتر نیز آبتن طرح پرسشها و ورود به عرصه های جدید بود. با خاموشی شعله های جنگ تحمیلی، دوران «دفاع از حکومت اسلامی» سپری و دولت تثبیت شد. نیروهای مدافع انقلاب از مرزها به جامعه بازگشته موج جدید تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را موجب شدند.^(۱۹) به نظر می رسد که گذار به دورانی از توسعه سیاسی - اجتماعی آغاز شده است و مدافعان دیروز دولت اسلامی، در جستجوی «مشارکت در دولت» می باشند. اگر دیروز دوران دفاع از نظام بود، امروز دوران مشارکت در نظام اسلامی است و به دین ترتیب، مقتضیات عملی امروز تحقیقات نظری و

رهیافتهای ویژه خود را اقتضا می‌کند.^(۲۰)

به هر حال، در شرایط علمی و عملی فوق، اندیشمندان مسلمان به تدریج مرکز ثقل اندیشه‌ها و پژوهشهای خود را تغییر دادند. آنان که موفق به چنین گسست و چرخش تحقیقاتی شده‌اند، دیگر شیفته بحث کلان از دولت به عنوان «نهادهای» نیستند.^(۲۱) بلکه قلمروهای مفهومی جدیدتری را جستجو می‌کنند که بتوانند واقعیت عمل و امر سیاسی امروز را فارغ از هژمونی دولت و در ورای محدودیتهای منبعث از مباحث مربوط به شرایط حاکم اسلامی توضیح داد فاصله عمل و نظر را مجدداً تقریب نمایند.^(۲۲)

از دیدگاه این بررسیها، دولت اسلامی صرفاً بخشی از سیاست اسلامی و در واقع امری سیاسی است که تنها به عنوان یکی از تشکیلات تاریخی ممکن تلقی شده مردمانی به وسیله آن، وحدت سیاسی خود را تحقق و در دورانی خاص سرنوشتشان را رقم زده‌اند. دولت در این تعریف تنها جلوه‌ای از امر سیاسی است که در چشم انداز تفکر و عمل سیاسی فرد مسلمان قرار می‌گیرد و نه همه سیاست.^(۲۳) البته تمایز در گفتار سیاسی هنوز تمام نشده و گذار از بحث شرایط حاکم به قلمرو عام امر سیاسی چندان هم تحقق قطعی نیافته است؛ مناظره همچنان ادامه دارد، اما ظهور تاملات جدیدتر در باب امر سیاسی و رای دولت، از جمله بحث در قلمرو جامعه مدنی، آزادیهای فردی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و... به گونه‌ای بیانگر این دگردیسی و روند گذار است.^(۲۴)

اما این تحولات هرگز به معنای نفی مطلق مباحث گذشته نیست. در واقع مباحثی از قبیل مشارکت سیاسی هرگز نمی‌توانند در گسست با بحث حاکمیت و شرایط حاکم مطرح شوند مسأله فقط به تغییر در مرکز ثقل و نکات برجسته در تحقیقات اسلامی محدود و خلاصه می‌شود. مسلماً مباحث جدید در صورتی اهمیت نظری پیدا خواهد کرد که با عنایت به نتایج حاصله در مباحث عام حاکمیت و اختیارات حاکم طرح و بسط یابد. در تحقیق حاضر نیز، کوشش می‌کنیم تا «مسأله» مشارکت سیاسی را با توجه به مبانی و رهیافتهای فقهی - سیاسی متعدد در باب ویژگیها و اختیارات دولت اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم مشارکت سیاسی

هرچند مصادیق مشارکت سیاسی در تمدنهای گذشته و کهن نیز وجود دارند،^(۲۵) اما بحث از مشارکت به عنوان یک مسأله نظری «Theoretical problem» و ملاک سنجش مشروعیت، مختص دولتهای مدرن است که به موازات تغییر در مفهوم سیاست و نظام سیاسی از قلمرو دولت به دایره وسیعتر عمل سیاسی صورت گرفته است. رابرت دال در سال ۱۹۶۳ نظام سیاسی را هراالگوی ارائه شده از رفتار سیاسی بشر تعریف می‌کند که شامل نوع خاصی از وجود سیاسی، قدرت، حکومت و اقتدار است.^(۲۶) طبق این تعریف از زندگی روزمره سیاسی، به نظر می‌رسد که سیستم سیاسی علاوه بر شکل صوری و عام حکومت، الگوهای رسمی و غیر رسمی روابط انسانی را نیز شامل می‌شود که در تصمیمات یک دولت یا حکومت تأثیر می‌گذارد.^(۲۷) بر اساس این تعریف از نظام سیاسی که بسیار فراتر از نهادهای رسمی دولت است، مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیتها و اعمال تعریف کرد که «شهروندان خصوصی» به وسیله آن اعمال در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی هستند.^(۲۸) این تعریف از مفهوم مشارکت سیاسی، و سیعتر از تعریف کسانی است که مشارکت را فقط در دایره‌ی رقابت و نفوذ محدود می‌کنند.^(۲۹) تعریف ارائه شده دوسوی رقابت و حمایت را به عنوان دو زیر مجموعه شاخص مشارکت تلقی می‌کند و کوشش می‌کند بر آیند آن دو را ملاک ارزیابی قرار دهد.

مردمان یک جامعه به انحای مختلف با دولت خود رابطه دارند؛ بعضی صرفاً به سائغه حمایت و حفاظت از دولت عمل نموده رفتار خود را بر اساس نیازها و تقاضاهای حکومت تنظیم می‌کنند، برخی در تلاش برای اصلاح یا تغییر نظام یا حداقل تصمیم و جهت نظام حکومتی هستند و برخی دیگر نیز، بر خلاف دو گروه فوق، مواضع انفعالی «Passive» و یا بی طرفانه دارند. بعضی از نویسندگان سه نوع رفتار سیاسی فوق را به دو دسته عام مشارکت فعال و مشارکت انفعالی تقسیم کرده‌اند.^(۳۰) در این بررسی کوشش می‌کنیم صرفاً عناصر مشارکت فعال را که شامل دو مقوله مشارکت حمایت جویانه و رقابت آمیز هستند مورد کاوش قرار دهیم و نسبت آن را با مبانی اسلامی ارزیابی کنیم. به نظر می‌رسد که عنوان مشارکت منفعلانه نوعی تسامح در اطلاق لفظ بوده تخصصاً از مباحث مشارکت خارج است و درست به این لحاظ است،

که در سطور آتی نگاه ما به این نوع از مشارکت سیاسی، استطرادی و گذرا خواهد بود.

- سطح تحلیل

پژوهشگران مشارکت سیاسی، در بررسی موضوع همواره به سه حوزه روانشناسی، سیاسی، فرهنگ سیاسی و نظام سیاسی عنایت داشته‌اند. به نظر می‌رسد که مشارکت سیاسی در افراد، فرهنگها و نظامهای متفاوت به گونه متفاوتی تجربه و صورت گرفته است. به تبع دیدگاهها و عزم‌تگاههای متفاوت، آرای متفاوتی نیز در زمینه امکانات و موانع مشارکت در نظامها و فرهنگهای متفاوت، به ویژه فرهنگ و نظام سیاسی اسلام ارائه شده است. بنابر این، به منظور اجتناب از خلط مباحث، تعیین سطح تحلیل و روش بررسی در تحقیق حاضر اساسی به نظر می‌رسد.

در بررسی مشارکت سیاسی تمایز اساسی بین دو سطح تحلیل خرد و کلان به چشم می‌خورد. در سطح تحلیل کلان، مقولاتی چون فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی، سازمان و تشکیلات سیاسی و مسائلی چون خصائص عمومی ملت، امت و دولت به عنوان ساختارهای عام مابین یا ممهّد مشارکت سیاسی بررسی می‌شوند.^(۳۱) در حالی که در سطح «خرد» افراد و رفتار سیاسی آنها، به ویژه انگیزه‌های مذهبی و اعتقادی آنان که در اینجا مورد تأکید است لحاظ می‌شود.^(۳۲) اشاره به این نکته مهم است که مفاهیم سطح خرد و کلان دو مفهوم نسبی هستند و به تناسب موضوعات تحقیقی متفاوت و نیز حوزه‌های معرفتی مختلف، تفاوت پیدا می‌کنند.^(۳۳)

به هر حال هرچند در این تحقیق به مبانی خرد مشارکت سیاسی در حوزه معرفت اسلامی تأکید می‌کنیم اما به ویژگیهای کلان دولت اسلامی در نظریه‌های متفاوت نیز اشاره خواهیم کرد (به همین دلیل است که در سطور گذشته به برخی ادبیات این مقوله اشاره کردیم). مسلماً در هر نظریه سیاسی تناسب بین رفتار سیاسی فرد و نظام سیاسی امری اصولی است. عقاید و رفتار سیاسی فرد تأثیر به‌سزایی در رفتار سیستم کلان سیاسی دارد و بالعکس. این نکته هرچند در سطح عمل سیاسی مسلم است، اما به لحاظ معرفت‌شناختی و روش‌شناختی غیر قابل خلط یا تحویل به یکدیگر می‌باشند تأکید به مبانی خرد به منظور گریز از خلط یا تحویل فوق است. باتوجه به نکات فوق، پرسشهایی از این قبیل که حدود اختیارات حاکم اسلامی یا وجود و

فقدان نظام حزبی چه تأثیری بر رژیم سیاسی اسلامی دارند، نسبت به تحقیق حاضر، سطح کلان تحلیل تلقی شده اساساً از حوزه تحقیق مشارکت سیاسی خارج خواهد بود. پرسش اساسی تحقیق این است که «آحاد مردم مسلمان چگونه و چرا در سیاست جامعه خود مشارکت می‌کنند؟» پاسخ به این پرسش مستلزم طرح دو سؤال فرعی نیز می‌باشد که به نحوی به سطح کلان نیز نزدیکند:

۱- ویژگیهای نظام سیاسی چه تأثیری بر میزان و گستره مشارکت شهروند مسلمان در سیاست دارد؟

۲- مشارکت شهروندان مسلمان چه تأثیری بر کارکرد نظام سیاسی در دولت اسلامی دارد؟ جهت گیری تحقیق حاضر عمدتاً نظری است و این پرسش که آیا در تاریخ دولتهای اسلامی به واقع چنین رخداد مشارکت جویانه‌ای صورت گرفته است یا نه؟، اهمیت ثانوی دارد. (۳۴) در سطور آینده در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

اراده و مشارکت

هر عمل سیاسی علی القاعده مستلزم دو نوع اراده و تصمیم است: نخست، اراده بر عمل یا عدم عمل و اقدام سیاسی و دوم؛ اراده نسبت به جهت آن عمل، به عنوان مثال شخصی ابتدا نسبت به مشارکت در اصل انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرد و سپس جهت عمل خود را که به کدام نامزد انتخاباتی رای خواهد داد معین می‌کند. در هر دو صورت، هم اصل مشارکت و هم جهت مشارکت سیاسی مبتنی بر اراده و تصمیمی است که خود متکی بر انگیزه‌ها و مبانی روانشناختی، فرهنگی و اعتقادی ویژه است. در این بررسی کوشش ما معطوف به آن دسته از مبانی و انگیزه‌هایی است که حتی الامکان از مبانی اعتقادی و مذهبی اراده‌های معطوف به مشارک سیاسی منبعث می‌شود.

البته دسته بندی این مبانی بسیار مشکل است؛ برای نمونه، طرح این پرسش که در جامعه اسلامی ایران چرا گروهی از مسلمانان طرفدار حفظ وضع موجود هستند و گروه دیگر، برعکس، در پی تغییر و اصلاح می‌باشند؟ و به عبارتی این سؤال که چرا گروهی محافظه کار و گروه دیگر اصلاح طلب، یا عده‌ای به اطاعت از ولایت و عده‌ای دیگر به وظایف و حقوق

جامعه مدنی تأکید می‌کنند؟ از دیدگاه تحقیق حاضر که به مبانی دینی مشارکت سیاسی توجه دارد، بسیار مهم و در عین حال مشکل است. به هر حال درک این نکته که هر کدام از دو دیدگاه رقیب به کدام مبانی و منابع دینی استناد می‌کنند و به طور کلی چه تفسیری از دین دارند، البته اهمیت ویژه دارد. امامت‌سفانه بسیاری از مبادی و ابزارهای تحلیل آن هنوز در دسترس نمی‌باشد. بنابراین، تحقیق حاضر را صرفاً یک فرضیه و گامی اولیه در راستای هدف فوق می‌توان تلقی نمود. در سطور آینده اهم مبانی اعتقادی (فردی و اجتماعی - محیطی) اقدام و مشارکت سیاسی را مورد اشاره قرار خواهیم داد.

- شیوه‌ها و قواعد مشارکت

روشن است که در تمام نظامهای سیاسی، روابط خاصی بین مردم و حکومت وجود دارد و در نظام اسلامی هم به طرق متعددی این رابطه دیده می‌شود. به منظور درک طرق پیچیده رابطه اشخاص و آحاد مسلمانان با سلامت جامعه اسلامی، اشاره به ماهیت حکومت و شیوه‌های ایفای نقش مردم اهمیت دارد.

اگر نگاهی به حکومت کنیم به ویژه از دیدگاه رابطه فرد با حکومت، تنها چیزی که به چشم می‌خورد همان «مردم» است. مردمی که به طرق گوناگون ترکیب شده در قالب یک سری نقشها و روابط ساختاری، ذیل عناوینی چون فرمانبردار، حاکم، قانونگذار، مجری، وکیل، موکل و... هیأت تألیفی دولت را تشکیل می‌دهند. این نقشها همواره در اذهان فعالان سیاسی وجود دارد و برای تحقق، نیازمند نهادهایی چون مجلس، قوه مجریه و طرق ویژه مشارکت مثل مطبوعات و گروههای سیاسی است که فعالان سیاسی بتوانند ایفای نقش کنند.

به این ترتیب، تمامی افراد به نحوی ایفای نقش می‌کنند، این نقشها براساس یک مبنا دو قسمت نقشهای حمایتی و رقابتی و براساس یک مبنا دیگر نقشهای مشارکت مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. در مشارکتهای غیر مستقیم، عنصری به نام جامعه مدنی که حد واسط فرد و دولت قرار گرفته است. نهادهای جامعه مدنی خود محصول اراده مشارکتند صرفاً به مثابه نمایندگان واسط بین شهروند و حکومت عمل می‌کنند. همانطور که ممکن است افراد از طریق رأی یا اظهار نظر شخصی در سیاست جامعه و تصمیم سازی سیاسی مشارکت مستقیم داشته

باشند، همچنین می‌توانند خواسته‌ها و نفوذ خود را به واسطه نهادهای ساختاری جامعه مدنی: احزاب سیاسی، گروه‌های صنفی، گروه‌های فشار، هیأت‌های مذهبی و سیاسی-اجتماعی نیز، اعمال نمایند. این نهادهای واسطه‌ای، صرفاً نقش تسهیل، طیف بندی و انسجام افراد ملت را به عهده دارند.^(۳۵) در بخش‌های آینده این مقاله، دو نوع مشارکت مستقیم (فردی) و غیر مستقیم (نهادی) را در متون مذهبی مورد کاوش قرار می‌دهیم هدف اصلی ما تمرکز بر رفتار سیاسی فرد مسلمان در نسبت با سیستم سیاسی است. و چنین مشارکتی به دو گونه اقدام فردی و نهادی-جمعی تقسیم می‌شود. ابتدا کوشش می‌کنیم ضمن توضیح انواع رابطه فرد با دولت مصادیق مشارکت سیاسی را مشخص کنیم. یکی از پژوهشگران سیاسی انواع رابطه افراد با سیاست و نظام سیاسی را چنین طبقه بندی کرده است.^(۳۶)

الگوهای رابطه افراد با سیاست یا نظام سیاسی

ورودیهای نظام سیاسی مجموعه نیازها و تقاضاها و نفوذها مواضع نسبت به نظام سیاسی

نوع رفتار افراد جهت رفتار سیاسی اهم شاخصهای رفتاری

			<p>فعالیت‌های متداول و موافق درون نظام سیاسی</p> <p style="font-size: 2em; font-weight: bold; text-align: center;">الان</p>
	مخالفین و معترضین	فعالان اجتماعی	فعالان سیاسی (رقابتها انتخاباتی و حزبی)
موضوع مخالفت و تقاضا برای تغییر حکومت و اصل نظام	<p>- شورش در صورت امکان و ضرورت</p> <p>- برخاستن و اعتراض آشکار به برخی سیاستهای حکومت</p> <p>- ناعادلانه دانستن و عدم اطاعت از قوانین و مقررات حکومت</p> <p>- تشکیل مجالس مخالفت آمیز</p>	<p>- همکاری با دیگران در برنامه‌های محلی منطقه‌ای</p> <p>- تشکیل گروه‌ها و دستجات اجتماعی و منطقه‌ای</p> <p>- عضویت فعال در سازمانهای اجتماعی محلی</p> <p>- تماس مقامات رسمی در زمینه مسائل اجتماعی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>
فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه به منظور تأمین امکانات رفاهی و منطقه‌ای خارج از حکومت	<p>- همکاری با دیگران در برنامه‌های محلی منطقه‌ای</p> <p>- تشکیل گروه‌ها و دستجات اجتماعی و منطقه‌ای</p> <p>- عضویت فعال در سازمانهای اجتماعی محلی</p> <p>- تماس مقامات رسمی در زمینه مسائل اجتماعی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
درخواست مشخصی از نظام سیاسی ندارند بلکه در جستجوی کسب مناصب سیاسی نظام به منظور اجرای اهداف عمومی و حزبی هستند.	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
نظارت، بحث و انتقاد از کارهای حکومت موضوع انتقادی و نگهبانی نسبت به نظام سیاسی؛ خرمگس دولت	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
جستجوی ضمانتها و راههای ویژه برای اهداف و نیازهای خصوصی تا مصالح و اهداف عام اجتماعی.	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
خواستار حکومت مرسوم و محدود به منظور تدارک و تأمین نظم عمومی امنیت رهبری عمومی و عدالت	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
این گروه در غیر موارد فوق عموماً غیر فعال و بدون حساسیت هستند	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
شماره رأی دهندگان و افراد میهن پرست غیر ملتزم به حکومت	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
آظهار میهن پرستی از طریق نصب پرچم - اظهار علاقه و نمایش های ملی پرداخت مالیات باهدف ارتقا و توسعه کشور	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>
افراد منزوی و غیر اجتماعی	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>	<p>- فعالیت برای حزب یا نامزد ویژه</p> <p>- تبلیغ و تشویق دیگران برای رای به حزب یا کاندیدا</p> <p>- تشکیل جلسه‌های حزبی و تبلیغات تشکیلاتی</p> <p>- جمع آوری و اعطای پول به حزب یا نامزد معین</p> <p>- حمایت از حزب سیاسی - نامزدی برای مناصب سیاسی و ...</p>	<p>- کسب و حفظ اطلاعات سیاسی</p> <p>- درگیر شدن در مباحث سیاسی</p> <p>- نامه نگاری یا حمایت یا مخالفت آمیز به سر دبیران مطبوعات</p> <p>- ارسال پیامهای حمایت یا اعتراض به رهبران سیاسی</p>

منبع: Political participation, mibrath lester, W:1977.P18-19

منبع: Political participation, mibrath lester, W:1977.P18-19

این جدول در سال ۱۹۷۲م توسط «وربا» و همکارش «نای» با استقرا از جامعه آمریکا تهیه شده است. سپس در چند کشور دیگر تست شده است. و ظاهراً قابل تعمیم به هر نوع جامعه سیاسی اعم از گذشته و حال و اسلامی و غربی است. طبق این جدول، افراد یک جامعه در رابطه با نظام سیاسی ابتدا به سه گروه بزرگ رفتاری: فعالان، حامیان منفعل و بی طرفها تقسیم شده است. سپس فعالان جامعه به لحاظ جهت رفتاری که دارند به دو گروه فعالان سیاسی و غیر سیاسی تقسیم و فعالان سیاسی نهایتاً به دو گروه عمده معارضین (فعالان غیر متعارف) و موافقین نظام سیاسی (فعالتهای سیاسی مرسوم و متعارف) تقسیم شده اند.

در تحقیق حاضر به بررسی مبانی مذهبی (فقهی) آن دسته از فعالتهای سیاسی می پردازیم که در درون نظام سیاسی اسلامی و با فرض قبول مشروعیت کلان نظام اسلامی جریان دارند. در عرف تحقیقات سیاسی صرفاً به این نوع فعالتهای سیاسی، فعالتهای مشارکت جویانه یا معطوف به مشارکت سیاسی اطلاق می شود. فعالتهای خارج از چارچوب نظام سیاسی مشروع، در اصطلاح علوم سیاسی، با عناوین شورش و... مورد اشاره قرار می گیرد که در عرف مسلمانان تحت عنوان احکام بغی و... بررسی می شده است. (۳۷)

با توجه به نکات فوق، تحقیق حاضر منحصراً به دو مورد از جدول فوق می پردازد که تحت عنوان فعالیت جمعی از فعالان سیاسی و نیز، افراد مطلع و ذی نفوذ دسته بندی شده است. چنانکه در سطور گذشته اشاره کردیم، این دو مورد به دو شیوه فعالتهای سیاسی مستقیم و فردی و غیر مستقیم (حزبی) تحقق می یابند.

پیش شرطهای مشارکت سیاسی

هر چند مشارکت سیاسی در دهه های اخیر توسعه جهانی پیدا کرده است، و سالهای اخیر قرن بیستم را به لحاظ توسعه سیاسی، «عصر انقلاب مشارکت» نامیده اند، (۳۸) اما اطلاق چنین عنوانی هرگز به معنای تعمیم گونه خاصی از مشارکت سیاسی به تمام ملتها نیست. ملتهای جهان، بنا به لوازم و الزامات فرهنگی، محیطی و تجربه زیستی که دارند، هر کدام طرق ویژه ای از مشارکت

سیاسی را انتخاب کرده الگوی خاصی را تجربه می‌کنند. حتی در الگوی مشارکت سیاسی در دولتهای غربی نیز به لحاظ شرایط تاریخی - محیطی و شکافهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، الگوهای مشارکتی و حزبی متعددی شکل گرفته است.^(۳۹)

به طور کلی شرایط فرهنگی و محیطی شهروندان، فرصتها و محدودیتهای مشخصی را بر مشارکت سیاسی آنان تحمیل می‌کند. تأثیر این محدودیتهای و امکانات محیطی و فرهنگی را در نوع مشارکت شهروندان هر ملت در نهادها و سیستم سیاسی آن ملت می‌توان دید. در اندیشه‌ها و نظام سیاسی اسلامی هم چنین محدودیتهای و امکاناتی طبعاً وجود دارند که در فصول آینده اشاره خواهیم کرد.

به این ترتیب، هرگز نمی‌توان در مورد مشارکت سیاسی به یک تعمیم فرا فرهنگی توجه نمود، بلکه به تناسب هر فرهنگ و تاریخی (به عنوان مثال در تمدن اسلامی که موضوع تحقیق حاضر است) باید این سؤال را مطرح کرد که در این اندیشه و فرهنگ، «مشارکت سیاسی تا چه حد، به چه طریقی و نهایتاً توسط چه کسانی قابل تحقق است؟» این سؤال، ضمن تأکید بر ویژگی فرهنگی دولت اسلامی سه نکته مهم تحقیق را مورد توجه قرار می‌دهد: یعنی مرزها و حدود مشارکت، راهها و شیوه‌های مشارکت و افراد و عناصر مشارکت کننده در نظام سیاسی اسلام.^(۴۰) علی‌رغم تأکید محققین مشارکت سیاسی بر تمایزات فرهنگی و محیطی، عده‌ای از پژوهشگران بر ویژگیها و متغیرهای خاصی هم به عنوان پیش شرط عام مشارکت سیاسی تأکید و توجه نموده‌اند. طبق نظر این عده، امکان تأثیر و نفوذ خود در نظام سیاسی، منطقی‌تر و به وجود مفروضات ذیل است:

(۱) وجود عقاید، اخلاق و مبانی مشترک که اجماع و وفاق جامعه را تدارک نماید؛
 (۲) فرض حیطة و حوزه‌ای که در آن «آزادی عمل» و «رفتار آزادانه» فرد پذیرفته شده است؛
 (۳) تلقی غیر تبعیدی، نظری و اجتهادی از تصمیمات سیاسی (که البته با تعبد بر نوع کلان نظام سیاسی منافات ندارد)؛

(۴) وجود جامعه، گروه و اخلاق عملگرا «Community Activist»؛

(۵) امکان ابراز مخالفت و تعریف مرزهای مخالفت؛

(۶) فرض وجود نهادهای واسط و بسیج کننده (جامعه مدنی، احزاب، شخصیتها و گروههای

فشار) به منظور حمایت، کنترل و نفوذ در تصمیمات سیاسی.

هرکدام از مبانی و مفروضه‌های اشاره شده، به تناسب هر جامعه‌ای، از ریشه‌ها و عوامل خاصی ناشی می‌شوند. در سطور آینده، ضمن بررسی نسبت به این مفروضات با منابع اندیشه و فقه اسلامی، ریشه‌ها و موانع کنونی مشارکت سیاسی در جامعه اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. اشاره به این نکته شاید خالی از فایده نباشد که به احتمال زیاد، موانع کنونی مشارکت سیاسی در ایران نه در مبانی کلام و فقه شیعه، بلکه ناشی از مجموعه‌ای از عوامل تاریخی - فرهنگی است که حتی فقه اسلامی را نیز در دایره گفتمان ساختاری خود محصور نموده است.^(۴۱) در آینده، ضمن توضیح ماهیت فقه سیاسی اسلامی، برخی از وجوه اشارات فوق را بسط خواهیم داد.

مبانی و متغیرهای مشارکت سیاسی

درباره مبانی و ریشه‌های رفتار سیاسی شهروندان دیدگاه‌های متفاوتی در تحقیقات مارکسیستی، روانشناسی و فرهنگی ارائه شده است. در همه این بررسیها نکته مشترک این است که به هر حال رفتار سیاسی اعم از مشارکت و غیر آن، منبعث از عقیده و گرایش افراد نسبت به سیاست می‌باشد. اما این سؤال که چه عواملی در تولید چنین عقاید و گرایشی مؤثرند، پاسخهای متفاوتی پیدا کرده است.

در تحقیقات مارکسیستی، رفتار سیاسی ناشی از آگاهیهای طبقاتی منبعث از تعارضات اجتماعی است. مارکسیستهای سنتی بنا بر مبنای نظری خود، البته این تعارضات و آگاهی برخاسته از آن را متکی و مبتنی بر ماهیت تولید و فعالیت‌های اقتصادی می‌دانند. عقاید و رفتار سیاسی همواره روینای تحولات در اقتصاد و شیوه تولید تلقی شده است.^(۴۲)

برخلاف مارکسیستها، گروه دیگری از اندیشمندان، ریشه‌های عقیده و رفتار سیاسی را اساساً مبتنی بر ویژگیهای روانشناختی می‌دانند. پارتو، موسکا و دیگر نخبه‌گرایان ضمن ابتدای تحلیل‌های خود بر سائقه‌های روانشناختی فرد، اساس ایدئولوژیها و گرایش‌های سیاسی را ناشی از اختلافات دو گروه از نخبگان سیاسی حاکم و نخبگان دور از گردونه قدرت، اما داوطلب جدی قدرت می‌دانند.^(۴۳)

اندیشه سومی نیز عقاید سیاسی را بااستناد به فرهنگ و جامعه پذیری توضیح می‌دهد. آلموند و وربا چند کشور پیشرفته را از این دیدگاه مورد بررسی قرار داده‌اند،^(۴۴) در حالی که کلیفورد گیرتز و دیگران به فرهنگهای سنتی آفریقایی و آسیایی توجه نموده‌اند.^(۴۵) در این دیدگاه، عقاید سیاسی از فرهنگ سیاسی هر قومی ناشی می‌شود و رابطه علی و ساختاری با آن دارد.

هر سه دیدگاه فوق، به تقدم عقاید سیاسی در شکل رفتار و مشارکت سیاسی و طبعاً رژیم سیاسی قائل است در همه این دیدگاهها اولویت و تقدم علی عقاید سیاسی نسبت به رژیم سیاسی ملحوظ است. اما دیدگاه دیگری در مقابل دیدگاههای سه گانه فوق قرار دارد که به تقدم نظام سیاسی بر فرهنگ و عقاید سیاسی نظر دارد. این دیدگاه که ابتدا توسط ماکیاولی طرح شده است،^(۴۶) برخلاف نظریه‌های گذشته که به تقدم آزادی و اندیشه بر نظام سیاسی تأکید دارند معتقد است که نظام سیاسی بر اندیشه سیاسی و آزادی مقدم است. این نظام سیاسی است که با تمهید نهادهای مناسب نهال آزادی و آزاد اندیشی را در انسانها و افراد جامعه رشد می‌دهد.

ماکیاولی که به خاطر اندیشه‌های مورد اشاره، به نخستین فیلسوف آزادی شهرت یافته است،^(۴۷) معتقد است که اسباب بزرگی و عظمت هر ملتی در وجود آزادی و فضیلت «Virtu» شهروندان نهفته است. اما چنین عنصر عظمت آفرین به گونه‌ای می‌بایست در نهاد و اخلاق افراد و شهروندان یک جامعه کاشته و تقویت شود. به نظر ماکیاولی، مسأله بنیادین یک جامعه این است که چگونه ممکن است در عامه مردم که همواره در اثر بلند پروازی، فزونخواهی یا تنبلی، مستعد فسادند، صفت فضیلت «Virtu» و آزادی را چنان راسخ نموده و حفظ نمود تا بتواند به عزت و بزرگی برسد؟^(۴۸)

با این دیدگاه است که ماکیاولی گامی فراتر گذاشته نقش رهبران و نظام سیاسی در القای آزادی بر افراد و شهروندان را مورد توجه قرار می‌دهد. ماکیاولی نیز دیدگاه نخبه‌گرایانه دارد اما نخبه‌گرایی او ویژگی خاصی دارد. وی چنین می‌اندیشد که برای کمک به زایش «Virtu» و آزادی در جامعه که شرط نخست عزت یک ملت است، وجود رهبران دارای مردانگی و فضیلت «Virtuose» ضروری است. او قبول داشت که نمی‌توان انتظار داشت که از عامه شهروندان چنان فضیلتی آزادی را به طور طبیعی به ظهور برسد و طبعاً مشارکتی فعال در نظام

سیاسی بنمایند.

ماکیاولی در ادامه تفکر نخبه‌گرایانه خود، امید داشت که شهری یا ملتی گاه به گاه از بخت بلند خود رهبری فرزانه پیدا کند که در ذات او والامنشی ویرچو به درجه عالی پیدا شود. او که به بخت و لحظه تاریخی «Momentum» عقیده راسخ داشت، معتقد بود که اگر جامعه‌ای چنان بختیار باشد که در هر نسل چنین رهبری پیدا کند که قوانین را حفظ و تجدید کرده با تزریق مستمر و پرتو به شهروندان، جامعه را از تباهی به دور نگاه دارد، آنگاه معجزه پیدایش «نظام و جمهوری جاوید» یعنی یک پیکر سیاسی سالم و قادر به گریختن از گروید مرگ به وقوع می‌پیوندد.^(۴۹) به نظر ماکیاولی، چنین رهبری مهمترین وظیفه‌اش «دمیدن ویرتوی شخصی» به عامه شهروندان یک جامعه است.

اما ماکیاولی به درستی می‌داند که هیچگاه اتفاق نیافتاده است که یک جامعه‌ای همواره رهبران والامنش و «Virtuose» داشته باشند. و بنابراین هرگز نمی‌توان با ارائه مستمر سرمشق از رهبران بزرگ شهروندان را به سمت آزادی و فضیلت «Virtu» هدایت کرد. پس مسأله همچنان برای ماکیاولی لاینحل مانده است: توده مردم خود «Virtu» ندارند و رهبران والامنش که بر اساس بخت خوب در لحظه‌ای تاریخی پیدا شوند، همیشه ممکن نیستند.

ماکیاولی برای فرار از چنین دور بسته‌ای، راه حل مهمی می‌اندیشد که همواره در نظامهای دموکراتیک و موفق مورد توجه بوده است. به عقیده او، کلید حل مسأله، حصول اطمینان از این است که در میان شهروندان چنان «نظمی» برقرار باشد و آنان به گونه‌ای سازمان یابند که مجبور و موفق به کسب ویرچو و حفظ آزادیهای به دست آمده خویش باشند. ماکیاولی در تحلیل علل عظمت روم می‌گوید: اگر بخواهیم بفهمیم که چطور شد که آنهم «ویرچو» در طول قرنهای پیاپی در روم برقرار ماند، آنچه باید در آن تحقیق کنیم این است که «روم چگونه سامان داده شده بود؟»^(۵۰) وی علت عظمت روم را قبل از هر چیز در نظم یا «Ordini» (اوردینی) یعنی در نهادها و ترتیبات حکومتی و روشهای آن برای سازمان دادن به شهروندان می‌بیند.

به نظر ماکیاولی، واضحترین مسأله‌ای که باید بررسی شود این است که هر شهر و ملتی در عرصه سیاسی خود لازم است چه نوع نهادهایی را ایجاد و بسط دهد تا بتواند از انحطاط و فساد «درونی» خود ایمن باشد؟ معنایی که ماکیاولی اراده می‌کند، ترتیبات سیاسی و حکومتی است. او

می‌پرسد که «چقدر نهادهای سیاسی هر جامعه در نیل به عزت و بزرگی آن قوم در خور و شایسته است؟»

ماکیاولی دوره اساسی برای کشت آزادی و آزاداندیشی در جامعه می‌بیند که با اتکا به آن دو می‌توان به امور داخلی جامعه، به نحوی که «Virtu» در شهروندان راسخ شود، سامان داد؛ ۱- قانون خوب و ۲- دین کارآمد. وی هرچند به دین به صورت ابزاری می‌نگرد اما به هر حال عقیده دارد که جامعه خدا ترس و پارسا به طور طبیعی پادشاه خود را به صورت عزت و افتخار در حیاتی مدنی می‌گیرد. به نظر او، رازی که رومیان باستان بدان آگاه بودند و در جهان جدید کاملاً فراموش شده این است که نهادهای مذهبی را می‌توان به ایفای نقش به مراتب برجسته‌ای در پیشبرد آرمان عزت یک جامعه واداشت. از دین می‌توان برای الهام بخشیدن به مردم عادی به نحوی استفاده کرد که خیر عمومی را برتر از هر خیر و منفعت دیگری قرار دهند.

ماکیاولی با تأکید به حفظ نهادهای دینی در جامعه می‌گوید: رعایت تعالیم دین آنچنان اهمیتی دارد که خود به خود «عظمت جمهوریها» را ممکن می‌کند؛ اگر دینی باعث عزت یک جامعه نباشد، به واقع دین درست نیست. ماکیاولی با تأکید بر این مطلب که رومیان باستان به بهترین وجهی درک کردند که چگونه از قدرت دین در بهروزی جمهوری و سرزمین خود استفاده کنند، اضافه می‌کند؛ «هیچ نشانه‌ای بهتر از این بر فساد و خرابی یک کشور دلالت نمی‌کند که ببینیم پرستش خداوند (در آن) کم بها شده است.»^(۵۱)

به هر حال، با توجه به نظریه‌هایی که در باب مبانی مشارکت سیاسی و به طور کلی رفتار سیاسی شهروندان مورد اشاره قرا دادیم، می‌توان ریشه‌های رفتار سیاسی افراد یک جامعه را در سه مقوله ذیل دسته بندی نمود:

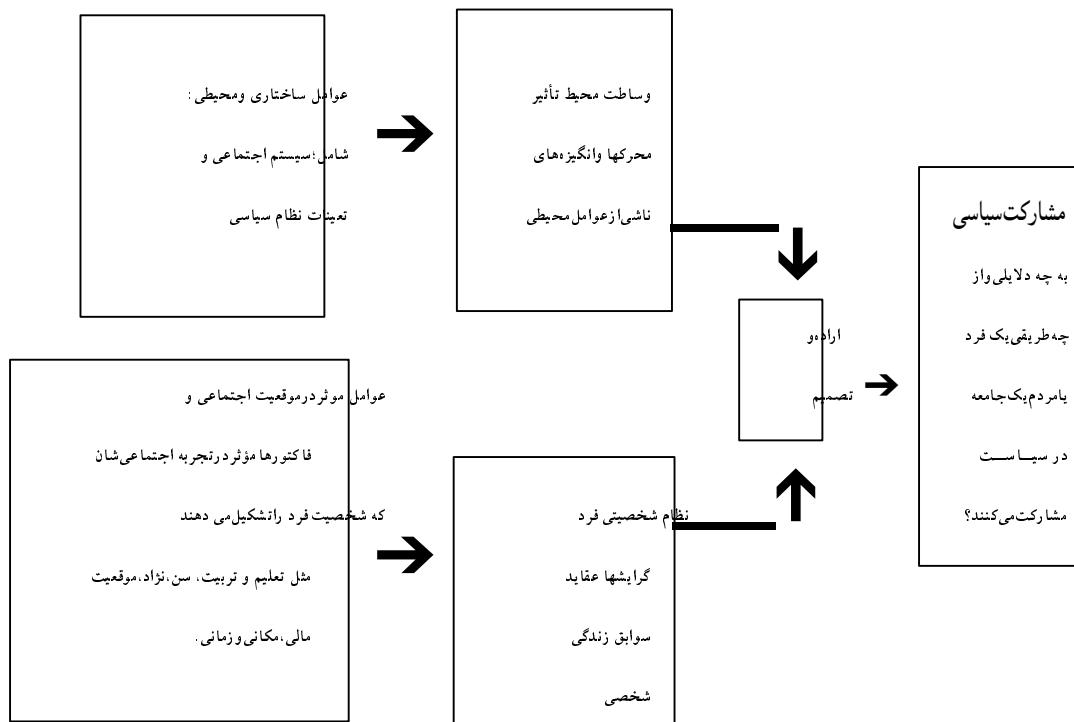
(۱) نیازها و انگیزه‌های شخصی؛ (۲) روند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری فرد از محیط زندگی؛ (۳) برخوردها و عکس‌العمل‌های تشویقی یا تنبیهی رفتار فرد در مواجهه با نهادهای سیاسی-اجتماعی.

یکی از نویسندگان، در توضیح متغیرهای فوق، آنها را به دودسته عوامل شخصیتی و عوامل محیطی تقسیم کرده است.^(۵۲) طبق این تقسیم، عوامل شخصیتی شامل پنج دسته هستند که عبارتند از، عوامل موروثی، نیازها و خواسته‌های شخصی، نیازها و سائقه‌های طبیعی و روانی،

عقاید و گرایشها یا رهیافتها «Attitudes»^(۵۳) عوامل شخصیتی تأثیر مستقیم در رفتار سیاسی دارند. اما عوامل محیطی، برعکس، به طور غیر مستقیم و از طریق شخصیت فرد اثر می‌گذارند. عوامل محیطی، به تدریج و با گذشت زمان، از طریق شکل دادن به شخصیت و نظام اعتقادی فعالان سیاسی ایفای نقش می‌کنند.

در این تحلیل، هیچ کدام از عوامل محیطی یا شخصیتی - علی‌رغم تأکید بیشتر به عوامل دسته دوم - استقلال ندارند؛ در عین حال که محیط به وساطت شخصیت در رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد، عوامل شخصیتی نیز تعیین‌کنندگی قاطع ندارند، بلکه در محدوده شرایط و امکانات محیطی شکل گرفته در چارچوب ساختار آداب و رسوم فرهنگ و اجتماع جهت می‌یابند. اریک اولین رایت این مسأله را با عنوان تعیین‌کنندگی ساختاری توضیح می‌دهد.^(۵۴)

نویسندگان کتاب مشارکت سیاسی «Political Participation» تأثیر فاکتورهای محیطی و شخصیتی بر «مشارکت سیاسی» افراد یک جامعه را طبق تصویر زیر توضیح داده‌اند^(۵۵)



تصویر فوق، کوشش می‌کند تمام عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی را به طور اجمال و بسیار ساده توضیح دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، مشارکت سیاسی در واقع از ریشه‌ها و مبانی متعدد و متفاوتی مشروط می‌شود. بدیهی است که نمی‌توان علل تحقق یا موانع عدم تحقق مشارکت سیاسی در جوامع گوناگون را به یک فاکتور یا عامل خاص نسبت داد. در تحقیق حاضر نیز، سخن از مبانی فقهی و مذهبی مشارکت سیاسی هرگز به معنای عدم توجه به دیگر ریشه‌ها و مبانی نمی‌باشد. اما در تمام مباحث مشارکت سیاسی، بر این نکته اتفاق نظر وجود داشته که به هر حال یکی از مبانی مشارکت سیاسی، مبانی اعتقادی است. نوشته‌های مربوط به مشارکت سیاسی، عقاید را به مجموعه اعتقادات سنتی، خرافات، ایدئولوژیها و ادیان اطلاق می‌کنند. لکن از دیدگاهی که تحقیق حاضر دنبال می‌کند، منظور از عقاید سیاسی، صرفاً آن دسته از اعتقاداتی است که ممکن است منبعث از مبانی و منابع فقهی و مذهبی بوده باشد. سؤال اصلی ما این است که مبانی فقهی ما چه نوع مشارکتی را باز می‌تابد و یا اینکه تفسیرهای گوناگون از هیأت تألیفی فقه اسلامی چه دیدگاهی اعم از سلبی و ایجابی نسبت به مقوله مشارکت سیاسی عرضه می‌کنند. فصول بعدی تحقیق به بسط این پرسش و پاسخهای ارائه شده در قبال آن می‌پردازد، در این جا، به منظور توضیح بیشتر در باب مفهوم مشارکت سیاسی و متغیرها و شاخصهای مورد نظر، کوشش می‌کنیم ضمن اشاراتی به مبانی اعتقادی مشارکت سیاسی، مطالب را جمع بندی نمایم.

مبانی اعتقادی مشارکت سیاسی

در سطور گذشته متغیرهای دخیل در مشارکت سیاسی و نیز برخی شاخصها و مصادیق مشارکت را مورد اشاره قرار دادیم. هدف اساسی بحث حاضر تمرکز بر صرفاً یکی از مهمترین متغیرهای دخیل در مشارکت سیاسی، یعنی عقاید سیاسی و به ویژه رابطه اعتقادات مذهبی با سیاست است. قبل از ورود به بحث، تذکر یک نکته شاید خالی از فایده نباشد و آن این که به دلایل فنی بحث از مشارکت توده‌ای در سیاست چندان مورد توجه محققین مشارکت سیاسی نیست. بسیاری از آنان عقیده دارند که مردمسالاری به معنای مشارکت دائمی همه مردم در سیاست ممکن نیست. سیاست مبتنی بر نظم معطوف به قدرت است و در ذات قدرت نابرابری نهفته است.^(۵۶) بنابراین هرگونه صحبت از تنظیم سیاسی و در واقع سخن از الیگارشی است؛ هرگز نمی‌توان از قانون آهنین الیگارشی فرار کرد.^(۵۷)

باعنایت به مطلب فوق، بحث از دموکراسی و دموکراتیزاسیون در ادبیات سیاسی جای خود را به عناوین قابل قبولتری چون تکثرگرایی، مشارکت و رقابت فعالان سیاسی داده به جای بحث از فرهنگ سیاسی یا عقاید توده‌های مردم، مبحث «عقاید فعالان سیاسی» مطرح شده است.^(۵۸) بررسیهای جدیدتر، کوشش می‌کنند تا نهادهای پلی آرشی را با مقوله کاملتر به هر صورت، چنانکه اشاره کردیم بعضی از محققین مشارکت سیاسی در توضیح مبانی رفتار سیاسی ملتها به عقاید فعالان سیاسی آن جامعه عوامل مؤثر در حرکت یک کشور به سمت نظامهای هژمونی (اقتداری) یا تکثرگرا ضرورت دارد، «عقاید» مردم آن جامعه، به ویژه افراد غالباً درگیر در حیات سیاسی بررسی شود؛ عقاید فعالان سیاسی «The beliefs of political activist» یکی از مهمترین متغیرها در شکل‌گیری روندی است که، به وسیله آن، ایده‌ها و رخدادهای متوالی تاریخی، یا شکافهای خرده فرهنگی (به عنوان مثال) به درون جریان فرهنگی - سیاسی ویژه‌ای هدایت شده و نوع خاصی از آن رژیمهای اقتداری یا تکثرگرا را پشتیبانی می‌کنند.^(۵۹) دال به این نکته اذعان دارد که همه کشورها به یک‌سان مستعد تکثرگرایی «Ployarchy» نیستند. وی ریشه این ناهمسانی را در عوامل مختلفی از جمله سطح توسعه اقتصادی، وجود خرده فرهنگهای تکثرگرا، و نیز، نهادهای سیاسی و حزبی ویژه جستجو می‌کند، اما در میان همه این متغیرها به «عقاید فعالان سیاسی» بیش از همه اهمیت می‌دهد.

پرسش اساسی رابرت دال این است که عقاید سیاسی تا چه اندازه عمل سیاسی مردم یک جامعه را تعیین می‌نماید و بنابراین، شانس و فرصت خاصی برای شکل‌گیری یا تکامل نوع رژیم آن کشور به سوی درجاتی از اقتدار یا تکثر و رقابت جمعی ایجاد می‌کند؟ وی عقیده دارد که برای فهم میزان تأثیر عقاید در رژیمها ابتدا لازم است عوامل تعیین‌کننده عقاید به ویژه عقاید فعالان سیاسی جامعه بررسی شود: خلاصه نظر او چنین است: (۶۰)

(۱) (۲) (۳) (۴)

عوامل تعیین‌کننده عقاید ← عقاید سیاسی ← اعمال سیاسی - احتمالاً ← رژیم‌های سیاسی

رابرت دال واژه «Beliefs» یا عقاید را در معنای گسترده آن به کار می‌برد که شامل ایدئولوژیها، مذهب، و حتی دانشها و معارف نظری «Knowledge» هم می‌شود. به نظر او، در سیاست بر خلاف علوم طبیعی بین نظر علمی و عقاید، یعنی بین معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست: ممکن است دانش سیاسی یک شخص برای دیگری کاملاً خرافه «Disbelits» تلقی شود ولی برای خود او حجیت داشته و آثار علمی بار می‌آورد.

به نظر دال کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید بر عمل سیاسی خود و دیگران را انکار نماید. وی اضافه می‌کند که؛ اعتقادات مانع تنها در آنچه آرزو داریم، بلکه حتی در آنچه که ما فکر می‌کنیم واقعاً رخ داده است تأثیر دارد. به عبارت دیگر تأثیر عقاید سیاسی در «هستهای سیاسی» «Political-is» بیشتر از «بایدها» «Oughts» است. دال برای استدلال خود از مارکسیسم به عنوان یک مورد افراطی استفاده کرده و توضیح می‌دهد که برای مارکسیستها این آثار مارکس است که می‌گوید چه چیزی در گذشته تاریخ رخ داده چه چیزی، اکنون در حال رخ دادن است، و نهایتاً چه چیزی در فردای تاریخ رخ خواهد داد. (۶۱)

برای دال این نکته آشکار است که عقاید سیاسی در عمل سیاسی اثر گذاشته و بدین ترتیب ساختار و کارکرد نهادها و نظامهای سیاسی را متأثر می‌کنند. اما تأکید می‌کند که توضیح کم و کیف این تأثیر هنوز قابل اطمینان نیست وی در ادامه بحث خود سؤال مهمتری را مطرح می‌کند؛ اگر این نکته درست است که عقاید مردم در نظام سیاسی دخالت دارد و نوع رژیم آن جامعه را مشخص می‌کند، و اگر درست است که هر کشور به لحاظ وجود مردمانی با عقاید گوناگون تجربه

سیاسی متفاوتی بروز می دهند، باید این پرسش را طرح نمود که «عقاید چه کسانی بیشترین تأثیر را در نظام سیاسی یک جامعه دارند؟» تأکید دال بیشتر روی عقاید گروهی از مردمان جامعه است که وی آنها را با عنوان «فعالان سیاسی» معرفی می کند به نظر او، هرچند در کشورهای توسعه نیافته به دلیل فقدان سازماندهی سیاسی مشخص تحلیل مشخصی از رابطه بین عقاید سیاسی و عمل سیاسی وجود ندارد، اما اجمالاً این نکته روشن است که به دلیل سطح پایین آموزش همگانی در این کشورها عقاید اقلیت کوچکی جهت گیری سیاسی کل جامعه را سبب می شود. این رابطه به نسبت گسترش افراد تحصیل کرده تعدیل می شود.^(۶۲)

رابطه عقاید فعالان سیاسی و فرهنگ سیاسی

به نظر دال تمرکز بر اهمیت فرهنگ سیاسی «Political culture» در دهه های اخیر به منظور تبیین رژیمهای سیاسی، بحث از عقاید سیاسی (P. Beliefs) را نیز تقویت کرده است. با این حال نباید این دو را با هم خلط کرده و دو پارادیم تحقیقی متمایز را به یکدیگر تحویل نمود. به نظر دال، هرچند رابطه دو مقوله فرهنگ سیاسی و عقاید فعالان سیاسی چندان روشن و واضح نیست، اما به اجمال می توان گفت که فرهنگ سیاسی نوعی روش شناسی و معرفت شناسی کل گرایانه و نسبتاً ساختاری به مسأله دارد؛ فرهنگ سیاسی مجموعه ای از عقاید، سمبلهای معنایی و ارزشها است که چارچوب عمل سیاسی در رژیم سیاسی را معین می کند. در حالی که مطالعات مربوط به عقاید فعالان سیاسی، هرگز چنان ساختارهای معطوف به حذف سوژه انسانی را مورد توجه قرار نمی دهد و بنا به طبیعت خود، تمایلات نخبه گرایانه دارد.

به هر حال، به نظر دال، تأکید بر عقاید فعالان سیاسی، شاید، به دو دلیل رساتر و واقعیتز از مفهوم متأخر فرهنگ سیاسی باشد؛ اولاً «مطالعات معطوف به فرهنگ سیاسی محافظه کارانه است و به دلیل تمایل به بررسی عناصر مستقر درون یک نظام اعتقادی که نتایج سیاسی دارند، ممکن است به آسانی به غفلت از منابع تغییر در عقاید سیاسی سوق یابند که در طول زمان دگرگون شده اند.

ثانیاً پژوهشگران فرهنگ سیاسی، علی الاصول به وجه غالب فرهنگی یک جامعه توجه می کنند و با عدم تفکیک بین عقاید نخبگان و توده مردم، موجب یکسان انگاری و تعمیمات

ناروا بین فرهنگ نخبگان و فرهنگ عامه مردم می‌شوند.^(۶۳) دال چنانکه آثار نشان می‌دهد، بیشتر نخبه‌گرا است و به مناسبت مبنای نخبه‌گرایانه‌اش اصطلاح عقاید فعالین سیاسی را بیشتر از مقوله فرهنگ سیاسی قابل تحقیق و نتیجه‌بخش می‌داند.^(۶۴)

تحصیل عقاید سیاسی

به عقیده دال اکثر مردم و فعالان سیاسی، عقاید سیاسی خود را غالباً در دوره جوانی کسب می‌کنند. البته بعداً هم تحت شرایطی و حتی به صورت ناگهانی ممکن است عقاید سیاسی عوض شود. خانواده، مدرسه، مذهب، محل کار و گروه‌های هم‌سن و سال تأثیر قاطع در شکل‌گیری عقاید سیاسی دارند. دال چهار عامل اساسی را به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری عقاید سیاسی در دوره رشد شخصیتی بر می‌شمارد:^(۶۵)

(۱) جامعه‌پذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن قهری کودک و نوجوان به دلیل تولد در محیط یک اندیشه و عقیده حاکم؛

(۲) پرستیژ و احترام یک عقیده یا تفسیری از یک عقیده و مذهب نیز ممکن است موجب گرایش جوانان به آن عقیده شود. پرستیژ و محبوبیت از دو راه موجب جذب جوانان می‌شود.

الف: دستاوردهای نسبی یک عقیده و مذهب که در قالب نهادها و سازمانهای عینی جامعه مجسم می‌شود.

ب: اعتبار و نفوذ طرفداران یا حاملان آن عقیده یا تفسیری از آن عقیده.

(۳) سازگاری عقیده جدیدی مثل تکثرگرایی با عقاید پیشین و بنیادی فرد. به نظر دال یکی از عوامل مهم برای امکان کسب و قبول یک اندیشه، میزان سازگاری یا ناهمسازی آن با عقاید پیشین است.

(۴) میزان سازگاری یا ناهمسازی عقاید با تجربه شخصی فرد. علاوه بر شرط عدم تعارض منطقی و درونی یک اندیشه در تأثیر بر عقاید فرد، چهارمین فاکتور مورد نظر دال احساس سازگاری عقیده با تجارب و ارزیابیهای شخصی فرد است. هرچند تجارب شخصی فرد قویاً متأثر از فرهنگ اوست و بنا براین افرادی با عنایت به فرهنگهای متفاوت ممکن است تفسیر متفاوتی از عقیده یا رخداد مشابه داشته باشند، اما باید تأکید نمود که افراد در جریان مستمر

فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن، فقط آن بخشی از فرهنگ موروثی یا جدید را که باید تجربه شخصی او موافق بوده یا حداقل نامتعارض باشد، جذب می‌کنند و در صورت تعارض تجربه و عقیده، معمولاً "انتخاب تجربه و تفسیر عقیده متداول بوده است."

به این ترتیب، به تناسب تجربه‌های جدیدتری که آحاد افراد یک جامعه کسب می‌کنند، به ضرورت کوشش می‌کنند تا تعارض و ناهمسازیهای عقاید گذشته را نیز تعدیل نموده به تناسب انتظارات جدیدتری که از منابع اعتقادی دارند. تفسیرهای جدید و همسازتری ارائه نمایند. در فصل آینده برخی وجوه این تفسیرها را به تناسب موضوع مورد اشاره قرار خواهیم داد.

برخی عقاید اساسی در باب تکثرگرایی

به نظر رابرت دال همه کشورها به یکسان مستعد پلی آرشی یا اقتدارگرایی نیستند، بلکه بین عقاید سیاسی و این نوع رژیمها رابطه مستقیم وجود دارد. دال عقاید زیر را به عنوان اصول اعتقادات سیاسی می‌داند که تأسیس یا توسعه نظامهای تکثرگرا بر آنها مبتنی می‌باشند.

الف: مشروعیت تکثرگرایی «Polyarchy»

دال عقیده دارد که تنها جوامعی شانس تحقق پلی آرشی دارند که بیشترین عقیده نسبت به مشروعیت نهادهای «Polyarchy» و به اصطلاح امروز جامعه مدنی و سیاسی متکثر وجود داشته باشد. لازمه اعتقاد به مشروعیت نهادهای پلی آرشی وجود عقیده به مشروعیت رقابت و مشارکت عمومی است.

رابرت دال، برخلاف مفهومی که در این تحقیق انتخاب کرده‌ایم، مشارکت یا «Participation» را مقسمی برای دو متغیر رقابت و حمایت نمی‌داند، بلکه مفهوم رقابت را از مشارکت جدا نموده اصطلاح «Political participation» را منحصراً در جنبه حمایتی آن محصور می‌کند. به هر حال، دال دو رکن اساسی برای تکثرگرایی سیاسی در نظر می‌گیرد: (۶۱)

۱- رقابت عمومی «Public contestation»؛

۲- مشارکت عمومی «Public participation».

دال با اشاره به تجربه آمریکا، ۱۸۳۳ انگلستان، دوران دیکتاتوری پرون در سالهای ۱۹۳۰ در ایتالیا و برخی کشورهای دیگر، توضیح می‌دهد که در برخی کشورها ممکن است عنصر

مشارکت و حمایت تحقق پیدا کند، اما امکانی برای رقابت عمومی - جمعی وجود نداشته باشد.

ب) ماهیت اقتدار «Authority»

در هر جامعه‌ای این نکته مهم است که عقیده به الگویی از اقتدار با اعتقاد به «Polyarchy» توافق و همسازی داشته باشد به نظر دال، مردمسالاری در کشوری قابل تحقق است که الگوی اقتدار حکومت با دیگر نهادها و اجتماعات تکثرزای جامعه همگونی داشته باشد. رابرت دال ضمن مقایسه فرهنگ و تجربه اقتداری قبیله «آمه‌ارا» در اتیوپی و فرهنگ و تجربه دموکراتیک نروژ به این نتیجه می‌رسد که؛ به هیچ وجه ممکن نیست که تکثرگرایی با هر نوع عقیده‌ای در باب اقتدار سازگار باشد. بعضی عقاید در مورد اقتدار صرفاً با نظامهای هژمونی و اقتدار طلب سازگارند.

ج) عقیده به اعتماد متقابل «Mutual Trust»

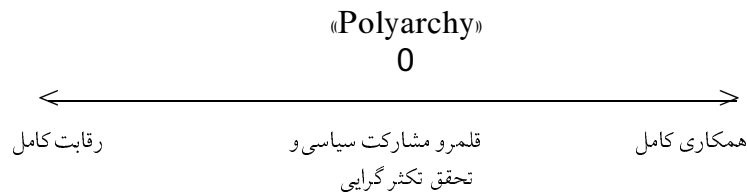
به نظر دال عقیده بر اعتماد و مسؤولیت پذیری در بین فعالین سیاسی مهمترین محمل و مناسب برای نظامهای تکثرگرا است که در عین کمک به استقرار و استمرار مسالمت آمیز رژیم سیاسی، اهداف اقلیتهای سیاسی را هم تأمین می‌کند. اندیشه سیاسی عقیده بر اعتماد این است که کار رقبا یک توطئه نیست، بلکه احساس نیاز به یک اقدام ویژه است تاهدفی در درون نظام سیاسی تأمین گردد. به هر حال در جامعه‌ای که اعتماد وجود ندارد، هر نوع عمل تعارض آمیز «Conflict»: تهدید جدی محسوب می‌شود.

د) عقیده به همکاری و تعاون سیاسی «Political cooperation»

رابرت دال سه الگوی متمایز از همکاری و رقابت در میان فعالین سیاسی ترسیم می‌کند؛ الگوی رقابت کامل، الگوی همکاری کامل و الگوی همکاری - رقابتی. به نظر وی، این سه الگوی عمومی سیاسی که خود ملهم از عقاید سیاسی متفاوتی است، نتایج مختلفی در تمهید تکثرگرایی و عدم آن دارد؛ اگر الگوی رقابتی شدید مانع تحقق تکثرگرایی است، الگوی همکاری کامل هم خالی از مشکل نیست. زیرا نهادهای مهم مشارکت در نظامهای تکثرگرا، نظیر احزاب سیاسی در چنین سیستمی مشروعیت خود را از دست می‌دهند. در الگوی همکاری کامل که هرگونه منازعه و رقابتی شریقی می‌شود، منطقاً باید وجود احزاب سیاسی نیز شریقی شود. چنین عقیده‌ای مهمترین بستر برای ظهور رژیمهای هژمونیک خواهد بود.

دال برای تبیین دیدگاه فوق دو مثال ذکر می‌کند. مثال نخست در مورد حزب کمونیست شوروی سابق است که اندیشه‌های لنین بستر نظری مهمی برای سرکوب هرگونه احزاب رقیب فراهم نمود. مثال دوم مربوط به هندوستان است که در سرزمین دموکراسیهای بدون حزبی نظیر هند زمان گاندی، تحت تأثیر نظریه تعاون اکید، مشروعیت احزاب سیاسی و طبعاً نهاد حزبی زوال پیدا کرد. اصولاً در هند تلاش دوگانه در راستای بسط دموکراسی و تکثرگرایی از یک طرف و دشمنی با تحزب از طرف دیگر موجب تضعیف مشروعیت «Polyarchy» (تکثر گرایی) شده است.^(۶۷)

رابرت دال ضمن بررسی جوانب مسأله و توضیح معایب رقابت کامل و همکاری کامل در فعالیتهای سیاسی، حوزه مناسب برای رشد تکثرگرایی را در نمودار نشان می‌دهد:^(۶۸)



به طور کلی از نظر دال، شانس تحقق پلی آرشی زمانی بیشتر است که مردم، به ویژه فعالان سیاسی یک کشور عقیده داشته باشند که چنین نظامی برای پاسخگویی به معضلات یک جامعه سیاسی اساسی است. اما مسأله مهم این است که آیا نظام اعتقادی یک جامعه - به ویژه جامعه اسلامی قادر است که به چنین نیازی پاسخ مثبت دهد؟ در آینده به این مسأله می‌پردازیم.

خلاصه و نتیجه

هدف این مقاله بررسی مفهوم مشارکت سیاسی و ارزیابی متغیرها و شاخصهای آن در دیدگاهها و نظریه‌های متفاوت به منظور ورود به مبانی فقهی مشارکت در دولت اسلامی بود. به این منظور در این نوشته، ضمن بررسی اجمالی ادبیات و دیدگاههای موجود درباره سیمای عمومی دولت اسلامی کوشش کردیم تا تعریف، متغیرها و شاخصهای مشارکت سیاسی را به اجمال طرح نماییم.

مشارکت سیاسی در اینجا، ناظر به دو متغیر حمایت و رقابت سیاسی در درون یک نظام سیاسی مشروع می‌باشد که به دو طریق مشارکت مستقیم و غیر مستقیم یا مشارکت فردی و نهادمند که از تحولات جامعه مدنی ناشی می‌شود، قابل تقسیم است. چنانکه جدول نخست نشان می‌دهد، مشارکت سیاسی بیشتر ناظر به فعالیت فعالان سیاسی است که با فعالیت فعالان اجتماعی داخل نظام و نیز فعالان سیاسی خارج و ضد یک نظام سیاسی قابل تمیز است.

فعالیت فعالان سیاسی نیز ممکن است به سه صورت رقابت کامل، همکاری کامل و وضعیت ترکیب آن دو تصور شود. فعالیت فعالان سیاسی چنانکه جدول دوم نشان می‌دهد، منبعث از متغیرهای شخصیتی و محیطی متعدد و متفاوتی است ولی در این جا هدف اساسی ما تمرکز به نقش عقاید سیاسی یا به عبارت دقیقتر عقاید فعالان سیاسی خواهد بود و عقاید فعالان سیاسی را نیز برخلاف دال در مفهوم و دایره عقاید مذهبی محدود کرده‌ایم.

پی‌نوشتها:

۱. عموم آثار منتشر شده در این دوره ویژگیهای مفهومی و کلان دارند. غالباً به منظور توضیح مفهوم ولایت یا حکومت ولایی تدوین شده‌اند، و یا در صدد اثبات ولایت فقیه و ادله فقهی، عقلی و... در این باره می‌باشند. بعنوان نمونه بنگرید به «آیه‌الله» سیدعلی خامنه‌ای، ولایت (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰) این کتاب تماماً به بررسی مفهوم ولایت و جلوه‌های متعدد آن می‌پردازد. کتاب زیر نیز تقریباً صبغه مفهومی و تاحدودی هم جنبه فقهی و تبلیغی دارد:
 - دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه، ولایت فقیه زیربنای حکومت اسلامی (تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸).
 - دو کتاب ذیل نیز که جنبه فقهی - استدلالی دارند، به عنوان نمونه و از میان انبوه آثار این دوره، قابل ذکر هستند:
 - محمدهادی معرفت، دراسة مستوعبه عن مسئله ولایة الفقیه؛ ابعادها و حدودها (قم؟)
 - سید یوسف مدنی تبریزی، الارشاد الی ولایة الفقیه (قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۶)
 - ۲. بنگرید به:
 - السید کاظم الحائری، الامامة و قیاده المجتمع (قم: انتشارات حائری، ۱۴۱۶) ص ۴۱-۱۵۱.
 - ۳. حائری، سید کاظم، بنیان حکومت در اسلام (تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۱۴۹.
 - ۴. به نظر می‌رسد که سلسله مباحث فقهی آیه‌الله منتظری با هدف تمهید مبانی کلامی و فقهی دولتی شکل گرفته است که با عنایت بسیاری دیدگاههای نظری و شرایط اجتماعی - سیاسی، شکل گرفته و با عنوان «جمهوری اسلامی ایران» تثبیت شده است:
 - حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله اسلامیه (قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامی، ۱۴۰۹) چاپ دوم، جلد اول، ص ۴۱۷-۴۱۶.
 - محمد مهدی شمس الدین، حکومت اسلامی در ایران، منتشره در سلسله مقالات سومین و چهارمین کنفرانس اندیشه اسلامی با عنوان حکومت در اسلام (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴) ص ۲۶۷-۲۸۳.
 - ۵. آثار و مقالاتی که در چهارچوب رهیافتهای مفهومی و کلان درباره دولت اسلامی در سالهای اخیر

منتشر می شد نوعاً به تکرار مطالب گذشته می پرداختند و این نشان می داد که مباحث مفهومی و کلان از لحاظ تحقیقاتی به نتایج نهایی خود رسیده اند. برای آشنایی با یک جمع بندی اجمالی بنگرید به:
- محمد مهدی شمس الدین، نظام الحکم و الداوری فی اسلامی (بیروت: موسسه الدولیة للدراسات و النشر، ۱۹۹۱) طبع دو، ص ۱۹۹ به بعد.

- محسن کدیور، نظریه های دولت در فقه شیعه، فصلنامه راهبرد، ش

۶. نوشته زیر نمونه کامل از این نوع بررسیها است:

- حبیب الله طاهری، تحقیقی پیرامون ولایت فقیه (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲) ص ۲۵-۱۴ و

۲۳۷ به بعد.

۷. عبدالاعلی موسوی السبزواری، مهذب الاحکام (قم جاوید، ۱۴۱۶) جلد ۱۵، ص ۲۳۱-۲۲۷.

۸. همان

۹. سید محمد باقر حکیم، الحکم الاسلامی بین النظریه و التطبيق (بی جا، موسسه المنار،

۱۹۹۲) ص ۹۶.

۱۰. محمد مهدی شمس الدین، پیشین، ص ۲۶۱-۳۰۹

۱۱. همان

۱۲. سید محمد باقر حکیم، پیشین، ص ۷۵

۱۳. برای آشنایی با تاریخچه این معادلات بنگرید به:

محسن کدیور، نظریه های دولت در فقه شیعه، پیشین.

داود فیرحی، تحول تاریخی اندیشه ولایت فقهی، (معاونت اندیشه اسلامی، مرکز تحقیقات

استراتژیک، سال ۱۳۷۲)

۱۴. این دو دیدگاه، بویژه در انتخابات ریاست جمهوری بهار ۱۳۷۶ تحت عنوان طرفداران جامعه

ولایی و جامعه مدنی در مقابل هم قرار داشته مواضع همدیگر را مورد ارزیابی و نقد قرار

دادند. برخی دیدگاهها و نیروهای این دو جریان در نوشته ذیل ارزیابی شده اند: پیام امروز، ش

گزارش ویژه ص.

۱۵. بنگرید به:

- محمد مجتهد شبستری، فرایند فهم متون دینی، فصلنامه نقد و نظر ش سوم و چهارم، ص ۵۸-۹.

- " ایمان و آزادی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶) ص ۶۴-۹۰.

- " هر مونیکی، کتاب و سنت (تهران: طرح نو ۱۳۷۵) ص ۱۶۸.

۱۶. دیدگاه سوم، هم استدلال‌های دیدگاه اول را قبول دارد ولی با تفسیر و تغییر اندکی که در مفاهیم نظریه اول ایجاد می‌کنند، کوشش می‌نمایند که نظریه اول را با نظریه دوم آشتی دهند. به عنوان مثال سیدکاظم حائری ضمن قبول نظریه نصب، با تأکید بر «نصب به طریق عموم بدلی» حداقل یکی از وجوه فعلیت ولایت فقها را منوط به انتخاب مردم می‌نماید. و یا محمدهادی معرفت، ضمن قبول ولایت مطلقه فقیه، با تفسیری که از مفهوم مطلقه دارد، این مفهوم را به حوزه عمومی محدود نموده تقییدات و محدودیت‌های بسیاری در نظر می‌گیرد.

۱۷. محمدهادی معرفت، فقه سیاسی (جزوه درسی سال ۱۳۷۶ موسسه باقرالعلوم (ع) قم) ص ۲۲.

۱۸. همان، ص ۵۸.

۱۹. البته این وضعیت، خاص دوران بعد از جنگ تحمیلی در ایران نیست. در همه کشورهای مهم دنیا، پس از امام جنگ و بازگشت نیروهای جهادی به درون جامعه موجب گسترش موج جدیدی از مشارکت سیاسی - اجتماعی می‌شود که سازمان حکومت را در مقابل ضرورت‌های جدیدتر توسعه سیاسی قرار می‌دهد. درباره برخی کشورهای اسلامی در دوران جدید بنگرید به:

Erwin.J.Rousenthal, Islam in the Modern National stat (Cambrige 1965) Ch.2.P.28.

۲۰. در ایران اسلامی، نیروهای جهادی و مدافع نظام اسلامی، پس از تمام جنگ تحمیلی و سپری شدن دوران دفاع مقدس در شرایط و موقعیت ویژه‌ای قرار گرفتند؛ بسیاری از این نیروها که به دلیل طولانی شدن دوران دفاع، رقم بسیار قابل توجهی را تشکیل می‌دادند. پس از خاتمه جنگ و حتی در اثنای جنگ موفق به طی کردن مدارج علمی، تخصصی و دانشگاهی شدند و بدین ترتیب آگاهی‌های مهمی درباره جامعه شناسی نظام خود کسب کردند و از طرف دیگر چون از متن نظام و جامعه اسلامی برخاسته بودند، نسبت به دیگر نیروهای معتقد و خارج از دایره نظام اسلامی، مشروعیت و امکانات ویژه‌ای در نقد سیاست‌های نظام اسلامی و تقاضای مشارکت داشتند. انتخابات ریاست جمهوری بهار سال ۱۳۷۶ تا حدود بسیاری تحت تأثیر این جریانها شکل گرفت که قبل از آن در قالب رقابت‌های انتخاباتی مجلس و موضعگیریهای محلی و پراکنده ابراز می‌شدند.

۲۱. جهت مباحث و تحقیقات سیاسی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی از سطح کلان دولت اسلامی به جنبه‌های خرد و خاص و دولت از قبیل، اقلیتهای سیاسی و مذهبی در دولت اسلامی، نقش زنان، مشارکت سیاسی، جامعه مدنی و تکثرگرایی معطوف شده است و مقالات روزنامه‌های کشور نیز چنین گرایشی را نشان می‌دهند.

۲۲. محمد مجتهد شبستری، ایمان و آزادی، پیشین ص ۶۵.

۲۳. همان، ص ۶۸-۶۷.

۲۴. همان ص ۷۸.

۲۵. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت (تهران: انقلاب اسلامی ۱۳۷۱) ص ۱۰۱.

26. Robert. A. Dahl, Modern political Analysis, Chicago: university of Chicago press, 1963, p.15.

۲۷. محسن امین زاده، توسعه سیاسی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال یازدهم، ش ۱۰ و ۹ شماره سریال ۱۱۸ و ۱۱۷، ص ۱۱۴-۱۱۷.

28. Lester W. Milbrath. Political participation, Rand Mc. Nally college publishing company, 1977, P.2.

29. V. Randall and R. Theobald, Political change and underdevelopment. London, 1991, p.27

۳۰. حسین سیف زاده، تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه: تأمل نظری، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تیرماه ۱۳۷۳، شماره ۳۲، ص ۱۹۳-۱۶۵.

31. L.W. Milbrath, Political participation, P.5.

32. Ibid. p.6.

33. Ibid. P.6.

۳۴. البته تاریخ دولتهای اسلامی، تاریخی اقتدارگرایانه است. اما نسبت به علل این اقتدارگرایی و نوع رابطه آن با منابع اسلامی دیدگاهها و تفاسیر متفاوتی عرضه شده است. در مورد سابقه دولتهای استبدادی در ایران، بویژه نظریه استبداد ایرانی بنگرید به:

- محمد علی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳) ص ۱۳-۱۲

M.Reza Behnam, cultural foundations of Iranian politics. Utah press, PP.18.19

۳۵. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

-گفتگوی تنی چند از دانشمندان در باره جامعه مدنی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۱۷ و ۱۱۸.

36.L. W. Milbarth" political participation, pp.18.19

۳۷. بنگرید به: شیخ محمدحسن صاحب جواهر، جواهرالکلام، (تهران: دارالکتب الاسلامیه) ج ۲۱ ص.

38. Political participation.p144 .

۳۹. موریس، دوورژه، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷) ص ۵۰۳-۴۳۰.

۴۰. درباره مشارکت سیاسی در دولت اسلامی، آثار بسیار اندکی منتشر شده است. یکی از نوشته‌ها در این خصوص، که با توجه به موقعیت سیاسی - اجتماعی و مذهبی لبنان نوشته شده است، اثر مختصر ذیل است:

-محمد عبدالقادر ابوفارس، التعدد به السياسيه في ظل الدوله الاسلاميه (لبنان، موسسه الريان، ۱۹۹۴).

۴۱. برای آگاهی بیشتر در باره تاریخ، فرهنگ و میراث اقتدارگرایی در ایران، بنگرید به فصول دوم و سوم اثر زیر که با عنوان میراث اقتدار و نقش مذهب در جامعه و سیاست ایرانی بررسی شده است:

M.Reza Behnam, cultural foundations of Iranian politicals Ch.II &III. PP.17-55.

42. Andrew Webster, Introduction to the sociology of Development. MacMillan,1990.P.66.

۴۳. تی. بی. باتومور، نخبگان و جامعه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) ص ۱۱ و ۵۰.

44.L.pye and s. verba (eds), political Cultur and political development.(princeton press,1965).P.513.

45. c. Geertz. The Interpretation of Culturs (Basic Books,

Newyork 1973).

۴۶. کوئنتین اسکینو، ماکیاولی، ترجمه عزت ا... فولادوند (تهران: طرح نو، ۱۳۷۳).

اسکینو این نقطه نظر را از بررسی رساله ماکیاولی با عنوان «گفتارهایی در باره نخستین دهگانه تاریخ تیتوس لیویوس» استنباط کرده که در مورد ارزیابی علل عظمت و انحطاط جمهوری رم باستان نگاشته شده است.

۴۷. همان. ص ۸۷.

۴۸. همان. ص ۹۹.

۴۹. همان. ص ۱۰۳.

۵۰. همان. ص ۱۰۷.

۵۱. همان. ص ۱۰۸.

52. Milbrath, political participation, OP. cit. P.32.

53. Ibid.

۵۴. حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی (تهران: نشرنی، ۱۳۷۴) ص ۱۳۹.

55. political participation, Op.cit.33.

56. see: Bernard flyuu, political philosophy. London, Humanities press, 1992.p.76.

۵۷. روبرت میشل، احزاب سیاسی، ترجمه حسین پویان (تهران: چاپخش، ۱۳۷۱) ص ۵۲۱.

۵۸. برای بحث نظری بیشتر در این باره ر.ک:

Robert.A.Dahl. polyarchy; participation and Opposition. (London:vale University press). pp.124-189.

59.Ibid .P.124.

60.Ibid P.124. & 162 .

61.Ibid .P.125.

62.R.A. Dahl. Modern political Analysis. OP Cit. P.156.

63. Dahl. polyarchy, p.166.

64. see: R.A. Dahl. Apreface to Democratic theory, chicago, 1956. and, Who Governers? Democracy and power in an American city. New Haven: Vale Universtiy Prees, 1961 .

65. polyarchy. pp.182-186.

66. Ibid, P.129.

67.Ibid,P.155/158.

68.59.Ibid,P.160.